

واقعیت تا آماده شدن فیلم برای اکران بیش از ۷ میلیون تومان هزینه کرده بودیم و تازه برای همان دو میلیون وام مرتب از بانک برای من اخطار می آمد و مجبور شدم قرض بگیرم. بعد از این فیلم کلی درد سر مالی متحمل شدم.

### آیا امکان نبود با همان دو میلیون فیلم ساخته شود؟

مسلمانا، آن دوران میانگین بودجه ساخت یک فیلم چیزی بین ۷ تا ۱۰ میلیون تومان بود.

### برای گرفتن تسهیلات بیشتر به سراغ بهشتی رفتید؟

نه، به امثال من راه نمی دادند که چنین درخواستی داشته باشیم.

### به الماسی چقدر دستمزد دادید؟

۲۰۰ هزار تومان.

**با چالش هایی که مطرح کردید ظاهر باز یگری بی دردسر تر از تولید فیلم در مقام تهیه کننده گی و یا کارگردانی است. در مقطعی حضور تان در باز یگری به خصوص فیلم های مستقلی نظیر «ماهی و گربه» زیاد شد. دلیل این رویکرد چه بود؟**

من باز یگری راز یادی جدی نمی گیرم و بیشتر در فیلم های دوستانم بازی می کنم و شاید برای اینکه زیاد از فضای سینما دور نشوم برخی از این پیشنهادات را قبول می کنم و البته به لحاظ مالی هم برایم دست آوردهایی دارد.

### بیشتر از کدام یک از تجارب باز یگری تان راضی هستید؟

اولین تجربه باز یگری ام در فیلم «یک شب» نیکی کریمی بود و هر کدام شان تجارب متفاوتی هستند ولی اگر به لحاظ فیلمنامه ای و کارگردانی بخواهم انتخابی داشته باشم به فیلم «ماهی و گربه» اشاره می کنم چون با فیلمنامه بسیار دقیق و مهندسی شده ای مواجه بودم.

**در فیلم های کارگردان های جوان هم بازی کرده اید، آیا آنها از شما در بحث کارگردانی مشاوره ای هم می گرفتند؟**

در فیلم «اشکان، انگشتر متبرک ع جند داستا ن دیگر» که اولین تجربه فیلم بلند شهرام مکر می بود اسم من به عنوان مشاور کارگردان هم لحاظ شده است. اما به لحاظ کارگردانی مشاوره ای به مکر می ندادم و بیشتر در تولید کمکش کردم.

**آیا نیکی کریمی باندازه باز یگری در فیلمسازی هم موفق است؟**

فیلم «یک شب» امتیاز ویژه ای برای کارگردانی داشت و بیشتر صحنه ها در ماشین به قدرت حسین جعفریان به عنوان فیلمبردار معطوف بود. البته در بحث دانش باز یگری، نیکی کریمی کارش را بلد است.

### این روزها مشغول چه کارهایی هستید؟

سرم به کارهای خانه گرم است. کتاب می خوانم، فیلم ها و سریال های خارجی نگاه می کنم، گاهی اوقات چیزهایی هم می نویسم، برای چه و کی و کجا؟! نمی دانم، فقط می نویسم، معتقدم در این شرایط فیلم ساختن کار درستی نیست. سینمای این سالها بیشتر از گانی شده و با پول مردم فیلم ساخته می شود و در شبکه نمایش خانگی منبع مالی برخی از فیلمها مبهم و شبهه برانگیز است. برای برخی از همکارانم متاسفم که به صرافت بزرگ کردن خانه، خرید ویلا و تعویض ماشین شان در چنین پروژه هایی حضور پیدا می کنند و مطمئنم روزی باید پاسخگو باشند.

### برای عید امسال چه برنامه ای دارید؟

سالها است که عید برایم جذابیت ندارد.

### به چه دلیل؟

خب، عید نوروز همیشه با خانه تکانی و سپس دیدن باز دید همراه است و بهترین عیدهایم سالهایی بود که مشغول فیلم ساختن بودم. البته یک سریال ۱۴ قسمتی هم به نام «عید آن سالها» درباره نوروز ساخته ام که در سال ۱۳۷۷ تولید شد و در سال ۱۳۷۸ با اعمال ممیزی و حذف ۲۰۰ دقیقه از ۸۴۰ دقیقه این مجموعه از شبکه ۲ پخش شد.

**سپاس از حضور تان در این گفت و گو و پیشاپیش عید باستانی نوروز را به شما تبریک می گویم. امیدوارم سال آینده سالی خوب و پر باری برای همه ایرانیان و همچنین توام با بازگشت دوباره شما به فیلمسازی باشد و آثار تان برای نسل امروز نیز همچون نسل ما خاطره ساز شود.**

من هم آرزوی سلامتی و شادی برای مردم ایران بخصوص مخاطبان روزنامه صبا در سال ۱۴۰۴ دارم.

بارها بارها از این شورا به آن شورا می رفتیم و مدام روی فیلمنامه ایراد می گرفتند!

### یعنی با هر بار مراجعه به شما اصلاحیه می دادند؟

اصلاحیه مشخصی نمی دادند و هیچ راهکاری به ما نمی گفتند که انجامش بدهیم و مجوز بگیریم. فکر می کنم خودشان هم نمی دانستند چرا به فیلمنامه گیر می دهند. در یکی از دفعات اقدامی گفت که «چرا در فیلمنامه زن به قتل می رسد؟» و آفریده زد به پایش که این مربوط به فیلمنامه دیگری است، نه «نارونی»! بعد از گذشت یک سال در بهار ۶۷ سیاست گذاری های جدید اعلام و گفته شد که برای ساخت لزوم تصویب فیلمنامه وجود ندارد. من هم از این مصوبه استفاده و پیش تولید «نارونی» را شروع کردم. مهوش شیخ الاسلامی به عنوان مدیر تولید و رسول نجفیان به عنوان دستیار کارگردان در ابتدا کارشان را شروع کردند.

### برای گرفتن تسهیلات بیشتر سراغ بهشتی رفتید؟

نه، به امثال من راه نمی دادند که چنین درخواستی داشته باشیم.

**جهانگیر الماسی در آن دوران جزو باز یگران پر کار و معروف بود. آیا به همین دلیل او را انتخاب کردید؟**

الماسی انتخاب اولم برای نقش اصلی بود و با او از قبل آشنایی داشتم و همکاری خوبی در طول کار با من داشت. «نارونی» در جشنواره همان سال انتخاب اما تا شب های آخر زیاد دیده نشد. قبل از اختتامیه جشنواره، شجاع نوری به من زنگ زد بیا فلان جا که پیر هانری دولو از جشنواره کن آمده و می خواهد فیلم تو را انتخاب کند. این موضوع توجه و نگاه ها را به فیلم تغییر داد و دولو از من خواست تا اوایل اردیبهشت ماه فیلم را زیر نویس شده برای کن آماده کنم که من گفتم نمی توانم این کار را انجام بدهم زیرا وقت بر بود چون یا باید به بلژیک و یا هلند ارسال می شد تا در آنجا کارهای زیرنویس فارسی اش انجام شود که این پروسه حداقل سه ماهی طول می کشد و دولو گفت خب برای حضور در مونترال انتخابش می کنم. شاخک های فارابی تکان خورد و همان شب تصمیم گرفتند فیلم را حمایت کنند و ناگهان فیلم در ۹ رشته کاندیدا شد و سیمرغی که قرار بود به کمال تبریزی بدهند به من دادند! (باخنده). در هیات داوران آن دوره ابراهیم فروزش و مرحوم سیف الله داد بودند که از قبل فیلم را دوست داشتند.

**از این موارد دست بردن در آرای هیات داوران از همان ابتدا و تا همین جشنواره امسال هم وجود داشت؟**

درست است، متاسفانه این جریان وجود دارد. مجله فیلمی ها از جمله گلمکانی فیلم را دوست نداشتند و نقدهای خوبی بعد از جشنواره درباره «نارونی» ننوشتند.

### ولی در اکران قضیه تفاوت کرد؟

بله، پرونده برای فیلم درست کردند و طالبی نژاد با من گفت و گوی مفصلی کرد و فیلم را حسابی تحویل گرفتند. اینجا قاطعانه می گویم «نارونی» به طور کاملا مستقل و بدون هیچ حمایت دولتی ساخته شد و فارابی برای این فیلم کار خاصی انجام نداد. اگر فیلم در ۴۰ جشنواره خارجی رفت صرفا کیفیت خود فیلم باعث شد و فارابی در این مورد کاری نکرد.

### از فروش «نارونی» راضی بودید؟

فیلم در دو سینما ( کریستال و عصر جدید) اکران شد که به نظر من اکران این فیلم در کریستال کار اشتباهی بود و نفروخت. مرحوم کاوه مدیر سینمای عصر جدید به من گفت «فیلم در ۴۴ روز یک میلیون و چهار صد هزار تومان با بلیط ۵۰ تومانی فروش داشته و سالن نیمه پر بوده ولی در آخر تمام سانس های سالن پر می شد»، حتی گفتند «به بهشتی گفتم این فیلم تماشاگر خود را پیدا کرده و بگذارد اکرانش ادامه پیدا کند ولی بهشتی قبول نکرد.» و در چنین حالتی فیلم «گلنار» را که اکران دومش بود جایگزین کردند.

### علت این مخالفت را متوجه شدید؟

شاید علت چنین کاری زیر بار نرفتن من برای فروش «نارونی» به فارابی بود که چنین اکرانی را برای فیلم در نظر گرفتند.

### فارابی به چه مبلغی قصد داشت فیلم را از شما بخرد؟

گفتند فیلم را واگذار کن و هر چقدر در تهران فروخت مال شما و من قبول نکردم.

کردم. در آن زمان با ابری فیلمنامه ای نوشتیم به نام «رونوشت برابر اصل» که بعدا نامش به «ماموریت» تغییر و حسین زندباف آن را کارگردانی کرد.

### آیا از فیلم ساخته شده راضی بودید؟

نه، فیلمنامه مبتنی بر کمدهی موقعیت و کار جذابی بود. البته فیلمنامه را هدایت فیلم پسندیده بود و آن را می خواست و قرار هم بود یدالله صمدی بر اساسش فیلمی بسازد. رقتیم دفتر هدایت فیلم و سر مبلغ قرارداد به توافق نرسیدیم و در نهایت حسین فرحبخش و امیر توسل فیلمنامه را از ما خریدند.

**مبلغ توافقی تان با حسین فرحبخش بالاتر از رقمی بود که هدایت فیلم برای پرداخت در نظر داشت؟**

هدایت فیلم با هشتاد هزار تومان می خواست فیلمنامه را بخرد اما فرحبخش صد و پنجاه هزار تومان خرید و کارگردانی کار را به حسین زندباف سپرد.

**خیلی از منتقدان دهه شصت معتقد بودند که شما با ساخت «نارونی» باعث رونق ساخت فیلمهای معناگرایانه شدید که با موفقیت فیلم تان تعدادی زیادی کارگردان به سراغ ساخت فیلم هایی با این مضمون رفتند. این قضیه را چگونه ارزیابی می کنید؟**

سال ۶۶ بحبویه جنگ شهرها بود و دو فرزند داشتم و بحث این بود که اگر صدام موشک با کلاهک هسته ای بزند در تهران چه میزان تلفات خواهیم داشت و برایم جالب بود که چقدر راحت درباره جان آدمها حرف زده می شد. از این جا بود که جرقه نوشتن «نارونی» برای من و حسین ابری زده شد. در این میان ملاقاتی هم با ساموئل خاچکیان داشتیم و کلی خاطره برای ما گفت و آن خاطرات بیس فیلمنامه ما شد. البته برای نوشتن فیلمنامه عزیز تورسه که شاعر بود هم به تیم نویسنده گی ما پیوست.

### این خاطرات چه ربطی با نوشتن فیلمنامه «نارونی» داشت؟

خیلی ربط داشت. «نارونی» راجع به دفتر چه خاطرات مرد پا به سن گذاشته ای است که خاطراتش را مرور می کند. ایده کتابچه درون فیلم هم بر اساس رفت و آمدهایم به کانون و ملاقات با ناصر زراعتی دستیار کیارستمی بر می گردد که تازه «خانه دوست کجا است؟» را ساخته بود و ایده دفتر چه هم در این فیلم وجود داشت.

**آیا آن زمان به کیارستمی پیشنهاد ندادید که بتوانید با او کار کنید؟**

نام و اعتبارش آنقدر زیاد بود که جرات نمی کردیم چنین خواهشی داشته باشیم اگر چه دیگر دوست نداشتم دستگیری کنم و هدفم ساختن فیلم بود. اتفاقا اواخر سال ۶۵ دعوت شدم تا در فیلم «دیده بان» دستیار ابراهیم حاتمی کیا بشوم. به دفتر ایشان رفتم و گفتم ترجیح می دهم در این مقطع فیلمسازی کنم تا دستیار.

### برگردیم به نحوه شکل گیری و ساخته شدن «نارونی»؟

خاطرات خاچکیان، دفتر چه کیارستمی و موشک باران تهران سه بیس اصلی نوشته و ساخته شدن «نارونی» شدند. اصلا نمی توانستم پیش بینی کنم که «نارونی» اینقدر جریان ساز شود. فیلمسازی به زعم من یک زبان و بیان است و فیلمسازی که به عنوان یک زبان به سینما می پردازد اصلا به فروش و تاثیر گذاری و عدم تاثیر گذاری اثرش فکر نمی کند. می خواهد حرف و جهانش خلق شود.

### چقدر در ساخت «نارونی» آزادی عمل داشتید؟

دستم باز بود و تنها فیلمم هست که از همه چیزش راضی بودم و با آسودگی آن را ساختم.

**آیا از فارابی هم برای ساخت این فیلم پولی دریافت کردید؟** فارابی من را به بانک صادرات معرفی کرد و یک وام دو میلیونی گرفتم.

**آیا فارابی از فیلم «نارونی» مصادره به مطلوب برای جریان سازی سبک فیلمسازی کرد؟**

البته تلاش سیدمحمد بهشتی مدیر عامل وقت فارابی و دارو دسته اش برای جریان سازی سینمای عرفانی بیشتر در مورد فیلم «آن سوی مه» که خودش فیلمنامه آن را نوشته بود آغاز شد. بهشتی تلاش زیادی می کرد تا تفکرات عرفانی مورد نظرش در فیلمها لحاظ بشود ولی نقطه نظرش هیچ تاثیر و نقشی در شکل گیری و ساخت «نارونی» نداشت.

**با توجه به نگاه ایدئولوژیک مدیران وقت، فیلمنامه شما با مشکل رو به رو نشد؟**

یک سال فیلمنامه را به وزارت فرهنگ می دادیم و مدام رد می شد و جوابی هم نمی دادند.

**چه کسانی در وزارت فرهنگ این کارها را انجام می دادند؟** ذوالمجد مسئول مستقیم کار ما بود و مدام ما را به فارابی پاس می داد که برویم و درباره چرایی عدم تصویب فیلمنامه حرف بزنیم. آفریده و اقدامی و اسفندیاری آن زمان در شورای فیلمنامه فارابی حضور داشتند.

